تاریـخ ایـران: شمـاره 59/5، زمستــان 1387
Iran History: No. 59/5, Winter 2009

دو مورخ گمنام زیدی ایرانی: ابوالعباس حسنی و علی بن بلال آملی *

سید هاشم آقاجری [1]
محمد کاظم رحمتی [2]

چکیده

قیام زید بن علی و شکل گیری زیدیه، عالمان زیدی مذهب عراق و حجاز را به تدوین آثاری تاریخی واداشت. در گام نخست، این اخبار تاریخی در آثاری تک نگارانه تدوین شد و سپس، تلفیق این آثار، به سنت طبقات‌نگاری انجامید. اما، از آن‌جا که هدف از تاریخ نگاری در این جریان، همچون دیگر جریان های حاشیه‌ای، نشان دادن مشروعیت جریان به عنوان تداوم راستین امت بوده، صورت خاصی به تاریخ نگاری زیدیه داده‌است. بررسی کتاب المصابیح نوشتهٔ ابوالعباس حسنی، نشانگر این مطلب است که تاریخ نگاری جریان‌های حاشیه‌ای، به نحو بارزی، حاصل نگاه کلامی و تحلیل آن‌ها از مفهوم امت و نظر آن‌ها در باب رستگاری و ضلالت امت است.

واژگان کلیدی: طبرستان و دیلمان، یمن، تاریخ نگاری، زیدیه، ابوالعباس حسنی، علی بن بلال آملی، مشروعیت.

Two Anonymous Iranian Zaydi Historiographers: Abu al-Abbas al-Hasani and Ali ibn Bilal Amuli

Hashem Aghajari[3]
Mohammad Kazem Rahmati[4]

Abstract
The revolt of Zayd ibn Ali and the rise of the Zaydi movement encouraged some Zaydi scholars in Iraq and Hejaz to devote parts of their scholarly output to early Zaydi history. These historical works are primarily monographs and it was out of this tradition that the Zaydi hagiography has been developed. As this tradition aimed first and foremost at laying a legitimate ground for the advent of the Zaydi sect, the Zaydi tradition of historiography is proved to be based on certain paradigms. A study of 'Abu al-'Abbas al-Hasani's Kitab al-masabih shows how the historiography of the Zaydiyya, a marginalized trend within the Islamic community, had been under the heavy influence of its founding-fathers' polemical and theological approach to concepts such as the Islamic community and its salvation and iniquity.

Keywords: Historiography, Zaydiyya, Abu al-'Abbas al-Hasani, Ali ibn Bilal Amuli, legitimacy.

---

[1]. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس
* تاریخ دریافت مقاله 1388/7/8 تاریخ پذیرش 1388/12/19
[2]. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس
[3]. Associate Professor, Department of History Tarbiat Modares University.
[4]. PH.D Student in History, Tarbiat Modares University. Email: kazem112@gmail.com

مقدمه

قیام زید بن علی علیه امویان در واپسین سال‌های خلافت اموی روی داد. عباسیان، گرچه هواداران خود را از شرکت در این قیام منع می‌کردند، اما، سعی داشتند تا از این قیام و دیگر قیام‌ها و شدت عمل امویان در سرکوب آن‌ها که می‌توانست در تهییج احساسات عمومی بر ضد امویان سودمند باشد، بهره برداری کنند. با به قدرت رسیدن عباسیان، فشارهای وارد بر علویان تخفیف نیافت و برخی حوادث گذشته، همچون بیعت برخی از بزرگان عباسی با علویان از قبیل منصور که با نفس زکیه بیعت کرده بود، به یکی از مشکلات جدی عباسیان بدل شد که انعکاس آن در تاریخ‌نگاری آن دوره با نقل اخباری در بیعت نکردن عباسیان با علویان و نقل‌های منسوب به پیامبر(ص) در بی‌بهره بودن علویان از حکومت، به وضوح مشهود است.[5]

از آن‌جا که توجه به ذکر تفصیلی برخی حوادث سده‌های یکم و دوم قمری به تدریج و اساساً توسط اهل حدیث به گونه‌ای از تاریخ‌نگاری ممنوع بدل شد،[6] یا در صورت ذکر این

---

[5]. آن‌چه امکان بهره‌جویی عباسیان را از قتل زید بن علی، فراهم کرده بود، مفهوم متوسعی از اهل البیت بود که در آن روزگار رواج داشته یا حداقل عباسیان آن را ترویج می‌کرده‌اند. برای آگاهی بیش‌تر، نک: ابن سمکه، *العباسی: أخبار الدوله العباسیه و فیه أخبار العباس و ولده*، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی (بیروت: دارالطلیعه للطباعه و النشر، 1997)، ص 167 و 391؛ ابوبکر أحمد بن محمد ابن هارون بن یزید الخلال، *السنه*، ج1، دراسه، تحقیق عطیه الزهرانی (ریاض: دار الرایه، 1989/1410)، ص 89-94؛ ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق کاظم مظفر (نجف:المکتبه الحیدریه، 1965/1385)، ص 207؛ عباسیان خود بنابر برخی اخبار، نخست با سادات علوی بیعت کرده بودند. نک: محمد بن جریر طبری، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج7، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (قاهره: دارالمعارف، 1969-1960)، ص518-517؛ ابوالفرج اصفهانی، ص 207. بعدها تاریخ‌نگاران عصر عباسی، به اجبار اخبار راجع به این مسائل را به گونه‌ای دیگر (نک: ابن سمکه، ص 130، 171-170، 184-185) و همچون طبری با عبارت‌هایی چون «گفته شده است،» گزارش کرده‌اند. همچنین عباسیان در بحث از مشروعیت حکومت خود، از زمان منصور به بعد (برای نمونه، نک: ابن سمکه، ص 167-165)، خاصه در پی قیام نفس زکیه، به تغییر نظرات مطرح در قبل از این قیام پرداختند. نک: ماهر جرار، «تفسیر أبی الجارود عن الامام الباقر: مساهمهٔ فی دراسه العقائد الزیدیهٔ المبکره،» *الابحاث*، السنه 51 - 50 (2003 – 2002)، ص 74 - 72. دربارهٔ قیام‌های علویان در عصر اول عباسی، نک: فاروق عمر فوزی، *العباسیون الاوائل* 170- 97 ق/786 – 716م: *دراسه تحلیلیه* (بیروت: دارالارشاد، 1970-1974)، ص 212-162. ابوالحسن اشعری دربارهٔ شدت عمل بعد از شهادت حسین بن علی فخی و اصحابش می‌نویسد: «فقتل الحسین و اکثر من معه و لم یجراء احد ان یدفنهم حتی اکلت السباع بعضهم.» ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری، *کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف‌المصلین*، تحقیق هلموت ریتر (ویسبادن: دارالنشر فرانتس شتاینر، 1400ق/ 1980)، ص80.

[6]. عبیدالله عکبری حنبلی (متوفی 387 ق) در بخشی از کتاب *الشرح و الابانه*، یکی از عقاید اهل سنت و جماعت را عدم خوض در ذکر مشاجرات میان صحابه دانسته و گفته که نباید آثاری چون کتاب الصفین و الجمل و آثار دیگری را که به ذکر حوادث قتل عثمان و دیگر منازعات میان صحابه پرداخته‌اند، مطالعه کرد. در ادامه، عکبری این رویکرد را عقیدهٔ بسیاری از علماء سلف ذکر کرده و نام آن‌ها را نیز آورده‌است. عبیدالله بن محمد ابن بَطه العکبری حنبلی، *الشرح و الابانه علی أصول السنه و الدیانه*، تحقیق و تعلیق و دراسه رضا بن نعسان معطی (مکه المکرمه: المکتبه الفیصلیه، 1404ق/ 1984م)، ص 269- 268.

حوادث، نقش منفی صحابه و تابعین به نحو اساسی تقلیل داده شد و از سوی دیگر جریان رسمی تاریخ‌نگاری که دیدگاه اکثریت را نسبت به حوادث بیان می‌کرد، از نگاه تفصیلی به این حوادث خودداری کرده و حتی در گزارش این حوادث به نقل اخباری که به گونه‌ای چهرهٔ این حرکت‌ها را مخدوش کند، تمایل جدی نشان داده است.[7]

از سوی دیگر، تاریخ‌نگاری به صورت متداول، نیز، هیچ‌گاه مورد توجه جریان‌های حاشیه‌ای قرار نگرفت. چرا که در نگاه جریان‌های حاشیه‌ای، تاریخ رسمی نگاشته شده توسط این تاریخ‌نگاران، در حقیقت تاریخ گمراهی امت بوده‌است. حاصل این نوع تلقی، شکل‌گیری صورت خاصی از تاریخ‌نگاری در جریان‌های حاشیه‌ای است که در این گونه نگاشته‌ها، نگارندگان آن بیش از آن‌که دغدغهٔ گردآوری اخبار تاریخی را، دست کم به صورت متداول در نزد تاریخ نگاران رسمی چون ضبط وقایع‌نگاری حوادث، داشته باشند، با نگاهی کلامی در صدد نشان دادن سیر انحراف امت و تعلق خود به جریان اصیل را دارند. این نوع نگاه باعث شده‌است تا این تاریخ نگاران، در تدوین اخبار تاریخی، حوادث را بر اساس شخصیت‌های محوری جریان‌هایی که این افراد به آن‌ها تعلق دارند، بنا کنند. همچنین، این نوع تلقی از تاریخ باعث آن شده‌است که در این نوع تاریخ‌نگاری‌ها، نقل متون درون‌گروهی این جریان‌ها و توجه به جنبه‌های خاصی از حیات افراد مشاهده شود. وجه بارز در تدوین اخبار در این گونه تاریخ‌نگاری، سیطرهٔ نگاه کلامی به گذشته است. در میان جریان زیدیه، نیز، این ویژگی‌ها کاملاً مشهود است. توجه اصلی تاریخ‌نگاران زیدی در تدوین اخبار قیام‌های زیدیه و شرح حال امامان زیدی، نشان دادن تعلق این افراد به تداوم راه درست امت و مشروع بودن قیام آن‌ها بر ضد جائران و توجه به ابعاد فقهی ـ کلامی حوادث، بوده‌است.

---

[7]. گرایش‌های سیاسی برخی از این مؤلفان را در گزارش اخبار تاریخی نباید نادیده گرفت. این مطلب دربارهٔ ابن نطاح که از نزدیکان به عباسیان بوده، به وضوح مشهود است که گاه اخباری در طعن علویان و یا رفتارهای آن‌ها نقل کرده‌است. نک: ابن ندیم، *کتاب الفهرست*، تحقیق رضا تجدد (تهران: مروی، 1393ق/1973م)، ص120. ابن نطاح که توجه جدی به مشروعیت عباسیان داشته، اخباری در بی حرمتی پیروان حسین بن علی فخی در جریان اقامت در مسجدالحرام نقل کرده که به وضوح تلاش وی در بی اعتبار جلوه دادن حرکت فخی است. نک: محمد بن جریر طبری، ج 8، ص 195. طبری در نقل اخبار جمل مطالب خود را از کتاب *الجمل و مسیر عائشه و علی* نگاشتهٔ سیف بن عمر تمیمی نقل کرده (نک: ابن ندیم، ص 106) و روایات دیگر در باب این حادثه را نادیده گرفته‌است. جهت گیری‌های خاص سیف و نگرش وی در برجسته جلوه دادن جایگاه قبیلهٔ خود (تمیم) در حوادث رخ داده، از نقاط ضعف جدی سیف بن عمر است.

زیدیه و تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری جریان‌های حاشیه‌ای، کاملا متأثر از نگاه کلامی و رویکرد آن‌ها به شکل‌گیری و تکوین امت است و اساساً، این رویکرد هدف اصلی و کارکرد مهم تدوین اخبار تاریخی در میان این جریان‌ها می‌باشد. تشکیل دولت زیدیه در یمن توسط یحیی بن حسین مشهور به الهادی الی‌الحق (متوفی 298ق) در یمن، به شکل‌گیری صورت خاصی از تاریخ‌نگاری در زیدیه منتهی شد و آن نگارش آثاری تحت نام «سیر» و در شرح زندگی سیاسی امام به رسمیت شناخته شده، است.[8] نخستین اثر از این دست، پس از ورود الهادی الی‌الحق به یمن در 280ق و تشکیل دولت زیدیه در آن‌جا، توسط علی بن محمد بن عبیدالله عباسی علوی با عنوان *سیرة الهادی الی‌الحق یحیی بن الحسین علیه و آله السلام* تالیف شده است.

در این نوع آثار که، غالباً، یکی از نزدیکان امام زیدی آن را تألیف می‌کرده‌است، مؤلف در آغاز به ذکر دلایل مشروعیت امام مورد بحث پرداخته و در ضمن بیان شرح حال زندگانی او، ویژگی‌های او را، که وی را مستحق دریافت عنوان امام کرده، برمی‌شمرده‌است.[9] اخبار گردآمده در این گونه آثار، روایات گردآوری شده از شاهدان همراه امام است. در متون بعدی زیدیه، افزون بر این منابع، با توجه به شغل مؤلف که گاه کاتب رسمی امام بوده، از اسناد مکتوب حکومتی و نامه‌ها و رسائل، نیز، استفاده شده‌است. نکتهٔ جالب توجه این است که در این سنت تنها شرح حال امام از زمانی که متصدی امر امامت شده مورد توجه است و کمتر

---

[8]. احتمالا سیره نگاری در میان زیدیه، بی‌ارتباط با بحث‌های فقهی کتاب *السیر* (*الجهاد*) نباشد و سیره‌نگاری گونه‌ای تحول یافته از بحث‌های فقهی و شرح حال امام در مقام مجری احکام فقهی باشد. در کتاب‌های *السیر*، مباحث فقهی چگونگی تعامل با مشرکان، اهل کتاب و کافران مورد بحث قرار گرفته‌است. در میان زیدیه، نیز، اثر فقهی کهنی به نام *السیر* با انتساب به نفس زکیه تداول داشته است. بخش‌هایی از کتاب *السیر* نفس زکیه را ابوعبدالله محمد بن علی بن حسن بن عبدالرحمن کوفی علوی (متوفی 445ق) در *الجامع الکافی* نقل کرده‌است. نک: رضوان السید، «کتب السیر و مسألهٔ داری الحرب و السلم نموذج کتاب السیر لمحمد النفس الزکیه»، ابراهیم سعافین، *فی محراب المعرفهٔ: کتاب تکریمی لاحسان عباس* (بیروت: دار الغرب الاسلامی و دار صادر، 1997)، ص 147-131.

[9]. در مقدمه‌های این آثار، احادیثی دال بر پیشگویی پیامبر(ص) از ظهور امام قیام کننده، نقل شده که ابوالعباس احمد بن ابراهیم حسنی و آملی نمونه‌ای از این گونه روایات را نقل کرده‌اند. نک: احمد بن ابراهیم حسنی، *المصابیح*، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی (صنعاء: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، 1423)، ص 31-29؛ علی بن بلال آملی، « *تتمهٔ المصابیح*،» ضمیمهٔ *المصابیح* احمد بن ابراهیم حسنی، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی (صنعاء: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، 1423ق)، ص 485-483، 585-583.

اطلاعاتی در باب حوادث زندگی امام مورد بحث پیش از امامت می‌توان یافت. در میان زیدیهٔ یمن، بعد از نگارش نخستین سیره در شرح حال الهادی الی‌الحق، سنت سیره‌نگاری به نحوی نهادینه تداوم یافته‌است.[10]

مسئلهٔ محوری در عموم این سیره‌ها، مشروعیت امام است و تنها تفاوتی که در میان این آثار می‌توان یافت، شیوه‌های مختلف آن‌ها در بحث از مشروعیت است. در سیرهٔ قاسم بن علی عیانی، مشکل اصلی نویسنده مسئلهٔ دعاوی اشراف هادوی (فرزندان الهادی الی‌الحق) در نپذیرفتن ادعای امامت المنصور بالله قاسم بن علی عیانی(متوفی 9 رمضان 393 ق) است. در حالی که المرشد بالله در سیرهٔ المؤید بالله، بی توجه به مسئلهٔ از نسل الهادی الی‌الحق بودن، تنها بر ویژگی خاص امام چون علم و زهد تاکید کرده است.

ابوالعباس حسنی و کتاب *المصابیح*

در میان زیدیهٔ ایران و یمن، سنت تک نگاری آثاری در معرفی سیرهٔ امامان به رسمیت شناخته شدهٔ زیدیه، با نگارش اثری در شرح حال الهادی الی‌الحق آغاز شد و بعدها نگارش آثار دیگری به صورت سنت سیره‌نگاری در زیدیه، تداوم پیدا کرد. در قرن چهارم، ابوالعباس احمد بن ابراهیم حسنی (متوفی بعد از 352ق) با نگارش کتاب *المصابیح من اخبار المصطفی و المرتضی و الائمه من ولدهما*، تحولی در سنت تاریخ نگاری زیدیه ایجاد کرد. حسنی با بهره جستن از آثار تالیف شده از سنت تک نگاری قرن‌های دوم و سوم و آثار سیره نگاری، طبقات نگاری ائمه را جایگزین دو سنت پیشین نمود. با مرگ زود هنگام حسنی در حین تألیف کتاب، شاگردش علی بن بلال آملی ادامهٔ کتاب را بر اساس همان طرح حسنی به انجام رساند.

ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن حسن بن ابراهیم بن حسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن حسن بن علی بن ابی طالب حسنی، از نامورترین عالمان زیدی طبرستان که در میانهٔ

[10]. پس از عباسی، عبدالله بن عمر همدانی سیرهٔ دو فرزند الهادی، یعنی المرتضی محمد و الناصر احمد، را تالیف کرده که متاسفانه متن مستقل این اثر باقی نمانده و تنها بخش‌هایی از آن در کتاب *تاریخ مسلم* لحجی (متوفی حدود 552) باقی مانده‌است. همچنین حسین بن احمد بن یعقوب همدانی، از عالمان زیدی قرن چهارم، کتابی در *سیرهٔ المنصور بالله قاسم بن عبدالله بن محمد بن قاسم رسی عیانی* تالیف کرده‌است. نک: أیمن فؤاد سید، *مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی* (قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه بالقاهره، 1974)، ص 84 - 83.

زندگی خود مدتی را در نواحی ری گذرانده‌است. نیای وی- محمد بن سلیمان- قیامی همزمان با قیام ابوالسرایا در 199ق در مدینه به راه انداخت.[11] پدر بزرگش- حسن بن ابراهیم- به همراه الهادی الی‌الحق یحیی بن حسین به آمل رفت که اقامت آن‌ها به دلیل به خطر افتادن موقعیت حسن بن زید داعی کبیر در آن شهر چندان نپایید. مادلونگ تاریخ این سفر را زمانی بین 270 تا 275ق دانسته‌است.

ابوالعباس حسنی از چهره‌های برجسته در فقه و کلام الهادی الی‌الحق در طبرستان نسل خود است. دربارهٔ ابوالعباس حسنی و این‌که نزد چه کسی یا کسانی فقه فراگرفته، اطلاع چندانی در دست نیست. تنها می‌دانیم که وی مصاحب و شاگرد ابوالحسن علی بن عباس بن ابراهیم حسنی- فقیه و عالم نامدار زیدی طبرستان- بوده‌است.[12] همچنین می‌دانیم که حسنی در 322ق به ری سفری داشته تا از متکلم و عالم نامور زیدی ابوزید عیسی بن محمد بن احمد بن عیسی بن یحیی بن زید علوی حسینی[13] (متوفی 326ق) و ابن ابی حاتم رازی- محدث شافعی ـ سماع حدیث کند. حسنی همچنین کتاب *الاحکام* و *المنتخب* الهادی الی‌الحق را از یحیی بن محمد بن الهادیالی‌الحق سماع کرده‌است.

مادلونگ احتمال داده که ابوالعباس حسنی، کلام معتزلی (مکتب بغداد) را نزد ابوبکر محمد بن ابراهیم مقانعی از شاگردان ابوالقاسم بلخی فرا گرفته باشد. از آثار حسنی، شرح *الاحکام* (شرحی بر *کتاب الاحکام* الهادی الی‌الحق در شش مجلد) که تنها بخشی از آن به دست ما رسیده‌است. اما، در زمان ابن ابی الرجال (قرن یازدهم) تمام آن موجود بوده و اثری به نام *الرد علی الناحل لاختلاف بین الهادی و الناصر للحق* را می توان نام برد. احتمالا توصیف ابن ابی الرجال[14] از نسخه‌ای فقهی به عنوان تألیف ابوالعباس حسنی، همین کتاب مورد بحث باشد. تاریخ وفات وی در منابع زیدی 353ق گزارش شده که با توجه به شاگردی

---

[11]. آملی، ص 554.

[12]. احمد بن صالح مشهور به ابن ابی الرجال، *مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه*، تحقیق عبدالرقیب مطهر محمد حجر (صعده: مرکز أهل البیت (ع) للدراسات الإسلامیه، 1425ق/ 2004)، ج 3، ص 270 – 269.

[13]. ابوزید علوی، عالم نامور زیدی و مؤلف اثر *الاشهاد* است. نک: حسین مدرسی طباطبائی، مکتب در *فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمه هاشم ایزد پناه (نیوجرسی: داروین، 1374ش)، ص 169، 236 - 203.

[14]. ابن ابی الرجال، ج 1، ص 240.

ابوطالب هارونی (متولد 340ق) نزد وی، این تاریخ نادرست است. حسنی در آمل درگذشت و قبر او تا قرن هفتم شناخته شده بوده‌است.[15]

ساختار کتاب *المصابیح*

کتاب *المصابیح* نخست با شرح حال پیامبر(ص) آغاز می‌شود. حسنی در این بخش، با توجه به جنبه‌های کلامی عقاید زیدیه، از روایات متعدد سیرهٔ پیامبر به تدوین ابن اسحاق (متوفی 151ق) بهره گرفته‌است. ذکر نکردن سلسله سند در تمامی موارد، امکان شناخت نوع تحریر مورد استفادهٔ حسنی را دشوار می‌کند. اما، با توجه به مواردی که وی طریق خود را در روایت ذکر کرده، به نظر می‌رسد که از تحریرهای کتاب ابن اسحاق به روایت سلمه بن فضل انصاری، ابراهیم بن سعد زهری و یونس بن بکیر فزاری (متوفی 199ق) استفاده کرده‌باشد.[16] حسنی در ارائهٔ گزارش از سیرهٔ نبوی، بیشتر به دو مطلب توجه داشته، در حقیقت هدف اصلی او ارائهٔ گزارش کامل تاریخی از سیره، نبوده‌است. هدف نخست وی ارائهٔ دلایلی برای اثبات نبوت پیامبر(ص) با نقل آن‌چه که در سنت اسلامی بعدها در گونهٔ ادبی دلائل‌نگاری تدوین منسجم تری یافته[17] و دیگری نگاه الگو بودن پیامبر(ص) برای امت و مؤمنان است که در

---

[15]. محمد تقی دانش پژوه، «دو مشیخهٔ زیدی،» *نامه مینوی: مجموعه سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی*، زیر نظر حبیب یغمائی و ایرج افشار و محمد روشن (تهران: جاویدان، 1350ش)، ص 185.

[16]. سیرهٔ تدوین شده توسط ابن اسحاق که در چند نسخه/ تحریر به روایت شاگردان وی رواج داشته، با توجه به نوع نقل قول‌هایی که از آن در منابع بعدی شده، با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. برای بحثی از *سیرهٔ ابن اسحاق* و تحریرهای مختلف آن، نک: رفیع الدین اسحق بن محمد همدانی، *سیرت رسول الله مشهور به سیره النبی*، ج 1، با مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی (تهران: خوارزمی، 1361ش)، ص 89-82؛ مطاع الطرابیشی، *رواه محمد بن اسحاق بن یسار فی المغازی و السیر و سائر المرویات* (بیروت، دمشق: دارالفکر المعاصر- دارالفکر: 1414ق/1994م)، سراسر کتاب، خاصه ص 54-48. در میان اخبار سیره‌ای که حسنی در کتاب خود نقل کرده، مواردی نیز وجود دارد که با عقاید کلامی زیدیه سازگاری ندارد. برای نمونه روایت دعوت کاهنه برای همبستری بعد از دیدن نور نبوت در عبدالله پدر پیامبر(ص) (حسنی، ص 93-92) و روایت شق صدر (همان، ص 108-106، 114-112) را می‌توان اشاره کرد که البته به اسنادی جز عالمان زیدی است و به نقل از محدثان کوفی اهل حدیث است. این روایت‌ها بیشتر در محافل حشویه و اهل حدیث رواج داشته‌است. اما حسنی در مسئلهٔ ایمان اجداد پیامبر(ص)، از ایمان آن‌ها، برخلاف عقاید اهل حدیث سخن گفته‌است (همان، ص 170) و بخشی به عنوان مآثر اجداد پیامبر آورده‌است (همان ص 177-171). علت تداول این تحریر کتاب سیره ابن اسحاق به دلیل شمول آن بر روایات ماجرای غدیر و برخی فضایل دیگر علی(ع) بوده که در دیگر تحریرها گاه حذف شده‌است.

[17]. برای آگاهی بیش‌تر، نک: حسنی، ص 103-101، 109-108، 121-120، 146-136.

این بخش حسنی روایت بلند توصیف خلق و خوی پیامبر را به روایت از هند بن ابی‌هاله تمیمی، نقل کرده‌است.[18]

در ادامه، حسنی به صورت فهرست وار، گزارشی از غزوات و سرایای پیامبر(ص) را به ترتیب تاریخی آورده‌است. روایت و گزارش بسیار اجمالی حسنی در این بخش، نشانگر این است که وی اساساً در پی تدوین سیرهٔ نبوی نبوده و از ذکر این بخش هدف دیگری را در نظر داشته‌است. وی ضمن تمایل به ارائهٔ متنی منسجم و پیوسته، به مسئلهٔ گمراهی و ضلالت امت در مسئلهٔ امامت توجه دارد و از این رو در بخش سیره نبوی، بیش از هر موضوع دیگری، قصد طرح افضلیت و جامعیت علی(ع) را برای امامت دارد و تنها حوادثی را ذکر کرده‌است که این مسئله در آن‌ها نمود عینی دارد.

ماجرای وفات پیامبر(ص) و اهمیت آن برای تحلیل مسئلهٔ امامت، حسنی را بر آن داشته تا به تفصیل گزارشی از اخبار وفات پیامبر را نقل کند. حسنی خبر بلندی را به نقل از عالم نامور زیدی موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن بن حسن دربارهٔ درگذشت پیامبر(ص) نقل کرده‌است و در آن علت محروم شدن علی(ع) از خلافت را حاصل تلاش برخی گروه‌ها بعد از وفات پیامبر دانسته‌است.[19] در ضمن بخشی از این خبر، به گونه‌ای مختصر، بخشی از مجادله میان دخت پیامبر و عمر و گفتگوهایی میان ایشان با ابوبکر و عمر نیز نقل شده‌است. مسئلهٔ استناد به نماز ابوبکر که یکی از دلایل جدی مورد استناد اهل حدیث در منازعات با شیعیان در مسئلهٔ امامت بوده‌است، آخرین بحث مورد توجه حسنی بوده و با نقل روایتی از زید بن علی آورده که پیامبر(ص) دستوری بر خواندن نماز به ابوبکر نداده‌است. غسل دادن پیامبر و نقش علی(ع) در آن و نماز خواندن بر پیامبر آخرین مطلب مورد اشارهٔ حسنی در این بخش است.[20]

حسنی در بحث از حوادث تاریخی عصر خلفای راشدین، به مسئلهٔ امامت توجه داشته و اخبار نقل شده توسط وی در ارتباط با این موضوع، موضع زیدیه را از این حوادث نشان می‌دهد. بیعت ابوبکر و چگونگی انجام آن که بعدها در پیدایش مفهوم اجماع و اجماع امت و

---

[18]. حسنی، ص 159-154.

[19]. همان، ص 251-245.

[20]. همان، ص 253-252. برای بحثی دربارهٔ مسئلهٔ نماز خواندن ابوبکر در هنگام بیماری پیامبر(ص)، نک: هادی عالم زاده، «ابوبکر،» *دائره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی (تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، 1372ش)، ص 240-221، به ویژه صفحات 226-225.

سواد اعظم تأثیر فراوانی داشته، نخستین مطلب مورد توجه حسنی است که به نقل از عبدالله حسن ایوازی و احتمالا به نقل از موسی بن عبدالله حسنی، به تلاش‌های شیخین در به دست گرفتن قدرت اشاره کرده‌است. همچنین، حسنی در روایتی پیشگویانه از محروم شدن علی(ع) از حق امامت توسط ابوبکر، در ضمن گفتگو و بیان حدیثی از پیامبر(ص) به عایشه سخن گفته‌است.[21]

مسئلهٔ مورد اجماع بودن بیعت با ابوبکر از ادعاهای اهل حدیث در محاجّه با شیعیان، از مهم‌ترین مباحث و مجادلات کلامی شیعه و اهل سنت بوده‌است. از این رو، حسنی با نقل اخباری، وجود چنین اجماعی را مورد تردید قرار داده‌است و از بیعت نکردن کسانی چون طلحه و زبیر، به عنوان دلیلی بر وجود نداشتن چنین اجماعی، سخن گفته و ادعای زهری را دربارهٔ این که بیعت با ابوبکر حاصل اجماع امت بوده، رد کرده‌است. بیان اخباری دال بر پیشگویی پیامبر(ص) از برکنار شدن ناحق علی(ع) از جایگاه خود، موضوع مورد توجه حسنی بوده و همانند عالمان امامی که اخباری در این خصوص نقل کرده‌اند، فصلی را به بیان چنین اخباری اختصاص داده‌است که برای شناخت نزدیکی اندیشه‌های امامیه و زیدیه در این برهه، در مسئلهٔ امامت، مفید است. تلاش‌های شیخین در محروم کردن علی(ع) از حقوق دیگر خود همچون مصادرهٔ فدک و شرکت نکردن آن‌ها در مراسم خاکسپاری دخت پیامبر به دلیل نارضایتی آن حضرت از آن دو، مطالب دیگری است که حسنی نقل کرده‌است.

از حوادث دوران خلیفهٔ دوم، ماجرای قتل عمر و داستان شورا نقل شده‌است. نقل گفتگوی میان ابن عباس و خلیفهٔ دوم دربارهٔ ادعای احقیت علی(ع) که در منابع دیگری، نیز، گفتگوی‌های مشابه آن نقل شده، آخرین مطلبی است که حسنی از حوادث دوران خلیفهٔ دوم بیان کرده‌است.[22]

گزارش حسنی از دوران حکومت عثمان با توجه به مخالفت‌های جدی گروه‌های تندرو اهل حدیث و جریان عثمانیه که علی(ع) را به دخالت در قتل عثمان متهم می‌کرده‌اند، اهمیت خاصی دارد و حسنی خود، نیز، به پاسخ دهی به این اتهامات توجه داشته‌است. حسنی در شرح حوادث دوران عثمان، نامه‌ای از نفس زکیه را در پاسخ به پرسش‌های فردی از اهالی موصل نقل کرده که در آن فرد موصلی از چگونگی بیعت عثمان و حوادثی که به قتل او منتهی شده، پرسش کرده‌است.[23] اهمیت این گزارش سوای بحث از اصالت یا عدم اصالت آن، بیان

---

[21]. حسنی، ص 257.

[22]. ابن سمکه، ص 33-32.

[23]. حسنی، ص 296-283.

منظر تاریخی است که در محافل زیدیه نسبت به احداث دوران عثمان که از مجادلات جدی سه قرن اول بوده، وجود داشته‌است. مسائل مورد اشارهٔ نفس زکیه در این نامه، همان ایراداتی است که در دیگر منابع به عنوان احداث دوران عثمان آمده‌است.[24]

تعامل اندیشه‌های کلامی و گردآوری اخبار تاریخی، از همان آغاز شکل گیری تاریخ‌نگاری اسلامی با توجه به ماهیت ساختاری جامعه اسلامی (بافت قبیله‌ای) و تعلق افراد به جریان‌های مختلف، به نحو بارزی در گردآوری اخبار تاریخی خود را نشان داده‌است و حسنی نیز با رویکرد و گرایش خاص خود به تدوین اخبار تاریخی پرداخته‌است. محوری‌ترین مطلب مورد توجه حسنی، مسائل و مباحث مطرح در روزگار وی در باب علی(ع) بوده‌است که در آن روزگار برخی گرایش‌های اهل حدیث و جریان‌های دیگر، خرده‌هایی از آن حضرت و برخی عملکردهای ایشان مطرح می‌کرده‌اند.

همچنین، حسنی به مسئلهٔ افضلیت علی(ع) در مباحث مختلف کتاب خود توجه داشته‌است. وی در بخشی از کتاب خود و در شرح حال پیامبر(ص)، اخباری را دربارهٔ افضلیت علی(ع) گردآوری کرده و در آغاز این اخبار در عبارتی کوتاه به تربیت اخلاقی علی(ع) از همان دوران کودکی در دامان پیامبر و مسئلهٔ وصایت و امامت او اشاره نموده و بعد از آن احادیثی در وجوب پیروی از علی(ع) به عنوان وصی پیامبر(ص) نقل کرده‌است.[25]

حسنی همچنین مطالب و اخباری از سیره، دال بر فضیلت علی(ع)، نقل کرده و در همین جهت ماجرای لیله المبیت، مأمور شدن آن حضرت برای به اتمام رساندن کارهای باقی ماندهٔ پیامبر در مکه در زمان هجرت ایشان به مدینه، عقد مؤاخات میان پیامبر و علی، ماجرای ازدواج میان علی(ع) و دخت پیامبر را به عنوان دلایلی بر افضلیت آن حضرت نقل کرده‌است.[26]

---

[24]. نفس زکیه در این رساله، همانند رساله‌ای منسوب به عبدالله بن اباض، دیدگاه خود را دربارهٔ امت و به انحراف کشیده شدن امت با تکیه بر احداث دوران عثمان بیان کرده‌است. برای بحثی دربارهٔ اهمیت رساله ابن اباض، نک: لطیفه بکای، *قراءه فی رساله ابن إباض* (بیروت: دار الطلیعه، 2002).

[25]. حسنی، ص 203.

[26]. آثار فراوان تک‌نگاری که در باب دوران پنج سالهٔ حکومت علی(ع)، خاصه توسط مورخان عراقی و عموماً شیعه یا با گرایش‌های شیعی تألیف شده، منابع مهمی برای حسنی در تألیف این بخش از کتابش بوده‌است. برای آگاهی دربارهٔ فهرستی از این گونه منابع، نک: محمد بن حسن طوسی، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*، تحقیق عبدالعزیز الطباطبائی (قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، 1420)، ص 607، 610. نوع چینش احادیث و روایات در این بخش به خوبی نشان دهندهٔ توجه حسنی به جریانات کلامی عصرش و مباحث ناظر به علی(ع) است. وی نخست با توجه به موضوع جدال برانگیز عثمانیه و برخی از اهل حدیث در دست داشتن علی(ع) در قتل عثمان، دو خبر در باب دست داشتن طلحه در قتل عثمان و سعی علی در ممانعت از این کار نقل کرده‌است (حسنی، ص 298). در کل، تلاش حسنی پاسخ دادن به ایرادات عثمانیه بوده‌است.

بیعت علنی با علی(ع) و شرایط هنگام بیعت (پیروی از سنت خدا و رسولش) و بیعت آشکار در مسجد مدینه، با توجه به خرده‌گیری اهل حدیث، مسئلهٔ مورد تاکید حسنی بوده و وی روایاتی را که در آن‌ها به بیعت طلحه به عنوان نخستین فرد با علی(ع) اشاره شده، آورده‌است که هدفش از این کار پاسخ دادن به برخی متکلمان در فتنه خواندن دوران علی(ع) و اخبار متداول در محافل اهل حدیث در اجبار طلحه به بیعت با علی(ع) بوده‌است. حسنی بعد از این بحث، برخی فضایل علی(ع) دال بر احقیت وی به خلافت را نقل کرده‌است.

ذکر این مطالب نشانگر توجه کامل حسنی به مسائل کلامی در ضمن تدوین روایات تاریخی است. شگفت نیست که بعد از این مسائل، حسنی به بحث از اخبار جنگ جمل پرداخته‌است. تک نگاری نصر بن مزاحم منقری در باب نبرد صفین، به دلیل اشتمال بر حوادث این واقعه مهم‌ترین منبع حسنی در نقل حوادث جنگ صفین بوده‌است.[27]

بخش مربوط به زید بن علی اهمیت خاصی دارد. موضوع مشروعیت زیدیه و انتساب آن به زید بن علی، مد نظر حسنی بوده و سعی کرده‌است تا اخبار تاریخی را به نقل از اطرافیان نزدیک به زید بن علی نقل کند. مشروع بودن قیام زید بن علی به همراه تأکید بر ویژگی‌های مورد بحث در اندیشهٔ زیدیه به عنوان ویژگی‌های امام، در اخبار زید بن علی مورد تأکید حسنی قرار گرفته‌است. وی در اشاره به بیعت زید بن علی با مردمان، از شروط وی همچون دعوت به کتاب و سنت نبوی، جهاد با ظالمان (عقیده به خروج و قیام به سیف) و لزوم همراهی اهل بیت سخن گفته‌است. فهرست مفصل حسنی درباره کسانی که با زید بن علی بیعت کرده‌اند، تلاش دیگری است که حسنی با نقل آن، سعی در مشروعیت بخشیدن به قیام زید بن علی دارد.[28]

---

[27]. همچنین، حسنی (ص312) به گزارش‌های ابومخنف لوط بن یحیی ازدی، نیز، در باب حوادث این دوران، توجه داشته‌است. ابومخنف هم، مانند منقری، آثار تک‌نگارانهٔ متعددی در بارهٔ حوادث دوران حکومت علی (ع) تألیف کرده‌است. نک: احمد بن علی نجاشی، *فهرست أسماء مصنفی الشیعه المشتهر برجال النجاشی*، تحقیق موسی شبیری زنجانی (قم: جامعهٔ مدرسین، 1407ق)، ص 321 -320؛ حسین مدرسی طباطبایی، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ج 1، ترجمهٔ رسول جعفریان و علی قرائی (قم: کتابخانهٔ تخصصی تاریخ اسلام و ایران ، 1383ش)، ص 378-377. حسنی در باب خوارج، کشته شدن (مقتل) محمد بن ابی‌بکر، و شهادت امام حسین(ع) (مقتل الحسین)، روایاتی را از آثار تألیف شدهٔ ابومخنف استفاده کرده‌است.

[28]. حسنی، ص404-400. مشهورترین نام در فهرست حسنی، ابوحنیفه است که، البته، موضع او در حمایت از قیام زید بن علی توسط جریان مخالف او یعنی اهل حدیث تایید شده‌است. نک: ابوبکر احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی، *تاریخ مدینه السلام و أخبار محدثیها و ذکر قطانها العلماء من غیر أهلها و واردیها*، ج 15، حققه و ضبط نصه و علق علیه بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الإسلامی، 2001/1422)، ص530-528. توجه حسنی و آملی به این مطلب در شرح حال دیگر ائمهٔ زیدیه نیز مشهود است و نقل اخباری، دال بر حمایت شخصیت‌های برجستهٔ جامعه از قیام‌های علویان، به عنوان راهی در مشروع نشان دادن این قیام‌ها مورد توجه حسنی و آملی بوده‌است. آملی (ص453)، به نقل از ابوالعباس حسنی، اخباری را دال بر تأیید قیام ابراهیم برادر نفس زکیه از شعبه بن حجاج نقل کرده‌است. همین گونه، ابوالفرج اصفهانی (ص319-304) اخبار مفصلی را از حمایت عالمان و فقیهان از قیام ابراهیم نقل کرده‌است.

تیره شدن روابط شیعیان امامی با شیعیان زیدی، به دلیل اختلاف در عقیده به قیام بالسیف که به جدایی آتی دو گروه به دلیل اختلاف در مسئله امامت منتهی شد، نکته‌ای است که مورد اشاره و تأکید حسنی قرار گرفته‌است. اختلاف زیدیه و امامیه تنها بر مسئلۀ نص خفی و جلی نبود. در حقیقت مسئله نص خفی و جلی بیشتر برای تفسیر تاریخ امت و اساساً روند رستگاری یا ضلالت امت خاصه بعد از وفات پیامبر(ص) و تفسیر تاریخ در نزد زیدیه و امامیه کاربرد داشت. درگیری‌های میان امامیه و زیدیه خاصه از زمان امامت امام هادی (ع) و تلاش زیدیه برای قیام‌های مسلحانه و رویکرد متفاوت ائمه شیعه به تیرگی شدید گرایید که شدت این گونه منازعات در رساله‌ای در باب امامت و نقد اندیشه‌های شیعه که در ضمن آثار قاسم بن ابراهیم رسی باقی مانده، هویداست.[29] روایت مهمی که حسنی در این بخش از کتاب خود، از قول قاسم بن ابراهیم رسی آورده، اهمیت خاصی دارد و نشان از موضع زیدیه در خصومت با امامیه دارد.[30] حسنی در تلاش برای مشروع جلوه دادن قیام زید بن علی، اخباری را که در میان زیدیان کوفه بعد از شهادت زید بن علی، دال بر پیشگویی قیام او توسط علی (ع)، رواج یافته، نقل کرده‌است.

در میانۀ تدوین اخبار مربوط به یحیی بن زید، به علت درگذشت حسنی، تدوین کتاب ناتمام مانده است. از حیث ارزش تاریخ‌نگاری، گزارش‌های حسنی دربارۀ افراد مذکور، تنها از جهت بیان دیدگاه و تلقی زیدیه از این قیام‌ها اهمیت فراوانی دارد. اما، تلاش برای مشروع جلوه دادن ماهیت این قیام‌ها و تأیید آن از سوی عالمان برجستۀ روزگارشان، مطلبی است که تنها در متون زیدیه ذکر شده و یا در متون مخالفان مذهبی عالمانی مورد اشاره قرار گرفته‌است که دیدگاه‌های عقیدتی عالمان همراه با زیدیان را نادرست می‌دانسته‌اند. نمونه مهم از این دست، ابوحنیفه است که عالمان اهل حدیث، به عنوان خرده‌ای بر او، تأیید وی از قیام‌های زیدی را ذکر کرده‌اند.

---

[29]. Wilfred Madelung, ***Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen*** (Berlin: Walter de Gruyter, 1965), p.98-99.

[30]. حسنی، ص391. در این روایت که نام قاسم بن ابراهیم در طریق روایت آن آمده و از سلسله اسناد نقل شده، دلالت بر جعل آن در کوفه دارد؛ در خرده‌گیری بر شیعیان گفته شده که آن‌ها همان روافض هستند که پیامبر در حدیثی آن‌ها را به این نام نامیده و گفته که ویژگی آن‌ها یاری نکردن اخیار اهل بیت و ترک امر به معروف و نهی از منکر است. به نظر می‌رسد که قیام زید بن علی و موضع برادر بزرگتر او، امام محمد باقر (ع)، از مسائل مورد بحث و منازعه میان زیدیان و امامیان کوفه بوده‌است و روایت نقل شده در خلال این منازعات تداول یافته‌است. همچنین، نقل این روایت توسط حسنی نشانگر موضع رسمی او در خصوص امامیه و دیدگاه منفی او، همانند دیگر عالمان زیدی، است.

علی بن بلال آملی و تکمیل کتاب *المصابیح*

بعد از درگذشت حسنی، برخی از زیدیه از علی بن بلال آملی- شاگرد حسنی- که احتمالاً به کتابخانه او نیز دسترسی داشته، خواسته‌اند تا ادامهٔ کتاب *المصابیح* را تألیف کند. آملی با استفاده از منابعی که عموماً به روایت حسنی در اختیار داشته، شرح حال قیام‌های دیگر عالمان زیدیه را بر اساس همان طرحی که حسنی برای تألیف کتاب خود در نظرگرفته بوده، تکمیل کرده است. آملی به تفصیل روایاتی در ادامهٔ بحث حسنی، دربارهٔ قیام یحیی بن زید، و عموماً به نقل از ابومخنف نقل کرده‌است.[31] نفس زکیه، شخصیتی مهم در میان عالمان زیدی قرن دوم است که منازعه جدی او با منصور عباسی مهمترین مطلب مورد توجه مورخان زیدی و غیر زیدی بوده‌است. آملی، اخباری دال بر جایگاه بلند علمی نفس زکیه که نشانگر شایستگی او به امامت است، نقل کرده و پس از آن به نقل اخبار قیام وی پرداخته‌است.[32] مهم‌ترین منابع، در باب منازعهٔ سیاسی میان نفس زکیه و منصور، نامه‌هایی است که میان این دو رد و بدل شده‌است و در شناخت عقاید زیدیهٔ قرن دوم، نیز، اهمیت زیادی دارد. آملی متن مختصر شده‌ای از این نامه‌ها را نقل کرده‌است.[33] همچنین، آملی نامه‌ای را از نفس زکیه، در باب توجیه و علل قیام او و به پیروانش، نقل کرده‌است که در متن خبر اشاره شده که این نامه در میان حلقه‌های زیدیه قرائت می‌شده‌است (و أمرهم أن یقرؤوه).[34] تأکید اصلی این نامه بر جایگاه متمایز علویان، به عنوان وارثان راستین پیامبر(ص)، و موضع گیری نفس زکیه در باب برکناری علی(ع) از خلافت با طعنه به عباسیان در دیر اسلام آوردن آن‌هاست. این

---

[31]. کتاب‌های تدوین شده در سنت اسلامی، به طریق متصل به مؤلفان روایت می‌شده و آثاری که سلسله روایت متصل به مؤلف نداشت، به عنوان آثار وجاده و کم اهمیت‌تر تلقی می‌شده‌است. این مطلب که آملی، آثار مورخان کهن را به روایت اسناد متصل به آن‌ها نقل کرده، در حقیقت نشانگر اعتبار آثار است. همچنین، در مواقعی تحریرهای کتاب‌ها با یکدیگر تفاوت داشته و طریق روایت خود نشانگر استفاده ناقل از تحریر کتاب است.

[32]. آملی، ص427-424.

[33]. همان، ص430-428، 443-437.

[34]. همان، ص434-430. اهمیت این رساله‌ها در این است که بیشتر بازتابی از تلقی عالمان زیدیه از احداث و فتن رخ داده در صدر اسلام و موضع آن‌ها نسبت به احداث قرن اول هجری است و می‌تواند به عنوان بازتابی از تلقی سیاسی نویسندهٔ آن از اوضاع عصر وی نیز تعبیر شود. نمونه‌ای دیگر از این گونه بیانیه‌ها، نامه‌ای از حسن بن ابراهیم بن عبدالله- فرزند نفس زکیه- است که آملی (ص 457-460) آن را به نقل از ابوالعباس حسنی نقل کرده‌است. تأکید بر سنت و اعتبار علویان در این‌که نمایندگان راستین سنت هستند، از نکات مورد تأکید در این رساله است. همچنین، کنار نهادن علی و اهل بیت(ع) از منصب خلافت به عنوان خطای هولناک از سوی امت مورد انتقاد قرار گرفته‌است.

رسائل، در توجیه نوع مشروعیت قیام نفس زکیه و دیدگاه زیدیه در باب امامت اهمیت فراوانی دارد.[35]

آملی در باب اخبار قیام حسین بن علی مشهور به صاحب فخ، روایات قیام او را به صورت یک‌پارچه و به نقل از ابوالحسن مدائنی و ابوالحسن علی بن محمد بن سلیمان نوفلی آورده‌است.[36] حسین بن علی که به دلیل شهادت در منطقه فخ در نزدیکی مدینه به فخی شهرت یافته‌است، مهم‌ترین شخصیت زیدی است که شهادتش تأثیر سنگینی بر زیدیه نهاده‌است. آملی نخست اخباری، دال بر پیشگویی قیام حسین بن علی فخی، به نقل از پیامبر(ص) که چنین اخباری بعد از شهادت وی در میان زیدیان عراق رواج یافته، نقل کرده و سپس بر جایگاه علمی او تأکید کرده‌است. همچنین، آملی در پایان شرح حال فخی، روایات دیگری به نقل از علی(ع)، دال بر پیشگویی ایشان از شهادت فخی، آورده است. در حقیقت، دغدغۀ آملی تنها بیان شرح حال تاریخی حسین بن علی فخی نیست، بلکه، او به مسئلۀ مشروع بودن قیام او و جایگاهش در سنت امامت زیدیه توجه دارد. نقل اخباری، دال بر شهادت فخی به اسنادی که در آن نام امام جعفر بن محمد صادق(ع) آمده، نشانگر منازعات میان زیدیه و امامیه است که نقل این اخبار را دست کم در میان محافل زیدی، از منظر کارکردهای آن، می‌توان مورد توجه قرار داد.[37] خبر اجماع علویان و شرکت آن‌ها در قیام حسین بن علی فخی به نقل از مدائنی تأکیدی دیگر بر مشروعیت حرکت اوست.[38]

آملی در بحث از قیام یحیی بن عبدالله بن حسن مشهور به صاحب دیلم، به مسئلۀ مشروعیت حرکت او توجه فراوانی داشته و پس از بیان نکاتی از شرح حال او، به اجابت

---

[35]. ماهر جرّار، «اربع رسائل زیدیه مبکره»، *فی محراب المعرفه: دراسات محتاط الی احسان عباس*، ابراهیم سعافین (بیروت: دارالغرب الاسلامی، 1997)، ص 303 ـ 267.

[36]. آملی، ص470-466، 486-485. دربارۀ نوفلی و اهمیت وی در تاریخ‌نگاری اسلامی، نک: ابوالحسن علی بن محمد بن سلیمان نوفلی، *کتاب الأخبار*، مقدمه و تدوین رسول جعفریان (قم: نشر حبیب، 1387ش)، ص39-36. نوفلی عالمی امامی است و طبعاً گزارش‌های او در خصوص عالمان زیدی، به صورت گزینشی توسط آملی نقل شده‌است. همچنین، دربارۀ اهمیت نوفلی و جایگاه وی در تاریخ‌نگاری اسلامی، نک:

Sebastian Günther, “Al-Nawfalī's Lost History: The Issue of a Ninth-century Shi'ite Source Used by Al-Abarī and Abū L-Faraj Al-Isfahānī ,” ***British Journal of Middle Eastern Studies***, 36 (2009), 241 — 266.

[37]. محمد کاظم رحمتی، «روابط زیدیه و امامیه با تکیه بر کتاب المحیط باصول الامامه»، *جشن نامۀ دکتر محسن جهانگیری*، به اهتمام محمد رئیس زاده و فاطمه مینائی و سید احمد هاشمی (تهران: هرمس، 1386ش)، ص 276-237.

[38]. آملی، ص 485.

دعوت از سوی عالمان زمانش اشاره کرده و فهرستی از آن‌ها ارائه کرده‌است.[39] پس از آن، بدون تصریح به نام منابع اخبار یحیی بن عبدالله، گزارشی از زندگی و تعامل او با هارون الرشید آورده‌است که با توجه به نقل برخی از این اخبار به نقل از ابوالحسن علی بن محمد بن سلیمان نوفلی، احتمالا اخبار نقل شده از کتابی از تألیفات او باشد.

ابن طباطبا و اهمیت قیام وی که به دلیل گستردگی دامنهٔ قیامش، تهدیدی جدی برای خلافت عباسی پدید آورده‌بود، باعث شده‌است تا آملی بحث گسترده‌ای راجع به این قیام به عمل آورد.[40] *کتاب أخبار محمد بن إبراهیم و أبی‌السرایا* تالیف نصر بن مزاحم منقری منبع اصلی بخش مربوط به قیام ابوالسرایا است که آملی به طور کامل تنها با حذف آغاز کتاب منقری و شاید اندکی از روایات او ، تحریر یک پارچهٔ منقری را از این حادثه نقل کرده‌است. ابوالفرج اصفهانی، نیز به تفاریق، بخش‌هایی از حوادث تاریخی قیام ابوالسرایا را، به نقل از نصر بن مزاحم، نقل کرده‌است.[41]

بحث آملی از ابومحمد قاسم بن ابراهیم حسنی که به دلیل اقامت در رس- محلی نزدیک مدینه- در اواخر عمرش به رسی شهرت یافته، با توجه به جایگاه رسی در سنت زیدیه، اهمیت فراوانی دارد. کهن‌ترین گزارش از احوال رسی که عموماً مبتنی بر اخباری است که آملی از استاد خود ابوالعباس حسنی نقل کرده‌است. همانند دیگر امامان زیدی مورد بحث آملی، در شرح حال رسی، توجه به مسئلهٔ مشروعیت امامت وی، دغدغهٔ اصلی آملی بوده‌است. آملی اخباری را که برخی از آن‌ها به نقل از کتاب *نسب آل ابی طالب* عقیقی است،[42] در اشاره به زهد، علم، و تقوای رسی که از شرایط امامت در نزد زیدیه بوده، آورده و در ادامه، از اجتماع

---

[39]. آملی، ص 491.

[40]. ابوالفرج اصفهانی که نسخه‌ای از کتاب نصر بن مزاحم و نوفلی را دربارهٔ قیام ابوالسرایا در اختیار داشته، روایات نصر بن مزاحم را دقیق و درست دانسته‌است، اما، بر اخباری که نوفلی گردآوری کرده، سخت تاخته و آن‌ها را برگرفته از افواه و شایعات دانسته‌است. بدین‌سان بیش‌تر، خود از کتاب نصر بن مزاحم به نقل اخبار ابوالسرایا پرداخته و در موارد اندکی، روایاتی هم به نقل از نوفلی آورده‌است. نک: ابوالفرج اصفهانی، ص 424.

[41]. آملی، ص553-514؛ اصفهانی، ص 438-424، 449-441.

[42]. آملی، ص556-555، 566-565. کتاب *النسب* یحیی بن حسن عقیقی (متوفی277) مهم‌ترین و کهن‌ترین اثر در انساب سادات بوده‌است. برای بحثی دربارهٔ این کتاب و اهمیت آن، نک:

Kazuo Morimoto, “The Formation and Development of the Science of Talibid Genealogists in 10th & 11th Century Middle East,” ***Oriento Moderno***, n.s. 18/2 (1999), pp.541-570.

بزرگان علوی روزگار رسی در مجلسی با حضور او گزارشی نقل کرده که در آن مجلس با رسی به عنوان امام بیعت شده‌است.

همان‌گونه که گفته شد، تشکیل حکومت زیدیه در یمن و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری زیدیه، به پدید آمدن شیوه‌ای به نام سیره‌نگاری امام حاکم منتهی شد. در این گونهٔ ادبی، شرح حال سیاسی امام از زمان به قدرت رسیدن تا به هنگام مرگش مورد توجه بوده‌است. قیام الهادی الی‌الحق و تأسیس دولت زیدیه در یمن، خاصه همراهی برخی از مردم طبرستان در جریان قیام او، و به رسمیت شناخته شدن این قیام توسط زیدیهٔ ایران که با ترویج آراء فقهی وی نیز همراه بود، باعث شده‌است تا آملی مطالب فراوانی را در باب الهادی به نقل از وقایع نامه رسمی ایام حکومت او یعنی *سیرهٔ الهادی* نقل کند.[43] در باب سیرهٔ دو فرزند الهادی، یعنی احمد و الناصر، از همان *سیرهٔ الهادی* و *سیره احمد بن یحیی الناصر لدین الله* تالیف عبدالله بن عمر همدانی و *رسائل الناصر* نقلی آمده‌است.

مهم‌ترین مسئلهٔ مشکل ساز در شرح حال امامت فرزندان الهادی، کناره‌گیری احمد و به دست‌گیری قدرت توسط برادرش الناصر است. نکتهٔ جالب توجه، اشارهٔ آملی به نحوه جانشینی المرتضی احمد به نقل از *سیرهٔ الهادی*، تألیف عباسی،[44] است که بنابر آن الهادی، در وصیت‌نامه‌ای که نگاشت، او را به امامت بعد از خود برگزید. ظاهراً، به دلیل نامتعارف بودن این امر در سنت امامت زیدیه، این مطلب از نسخه‌های موجود *سیرهٔ الهادی* حذف شده‌است.[45] مطالب مربوط به کناره‌گیری المرتضی و خطبه‌های او در هنگام اعلام

---

43. آملی، ص 597- 576.

44. همان، ص 592-590.

45. عموماً، در باب شرایط امامت در نزد زیدیه، گفته شده‌است که زیدیان هر علوی قائم به سیف را امام می‌دانند. این مطلب نادرست است و در سنت زیدیه، علاوه بر قیام، شرایط دیگری نیز برای امامت در نظر گرفته‌شده‌است. به عنوان مثال زیدیان یمنی و پیرو الهادی الی الحق یحیی بن حسین، امامت حسن بن زید و جانشین وی محمد بن زید را قبول نداشته‌اند. احمد بن موسی طبری، *المنیر علی مذهب الامام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین علیهما السلام*، تحقیق علی سراج الدین عدلان (صعده: مرکز اهل البیت (ع) للدراسات الاسلامیه: 1421ق)، ص 172. از قول الهادی آورده که گفته، این دو بزرگ علوی ستمگرتر از دو سردار ترک عباسی سابکین و کوبکین هستند. هارونی و آملی نظر مشابهی را درباره عدم به رسمیت شناختن امامت دو داعی علوی از سوی ناصر اطروش نقل کرده اند. ابوطالب یحیی بن حسین هارونی، *الافاده فی تاریخ الأئمه الساده*، تحقیق محمد کاظم رحمتی (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، 1387)، ص 120- 118؛ آملی (ص 603- 604). مادلونگ نیز اشاره کرده که زیدیان حسن بن زید، محمد بن زید، و یحیی بن عمر که در کوفه به سال 250 قیام کرده بود، را امام نمی‌دانسته‌اند؛

Madelung, p.155-156.

کناره‌گیری، مطالبی است که آملی آن‌ها را به نقل از *سیرة الناصر*، نگاشتهٔ عبدالله بن عمر همدانی، نقل کرده‌است.[46]

آخرین امام زیدی که در *تتمه المصابیح* از او سخن رفته، حسن بن علی مشهور به ناصر اطروش (متوفی 304ق) است که آملی از سیره‌ای که یکی از زیدیان هوادار او، بدون اشاره به نام مؤلف آن، مطالبی را نقل کرده‌است. هر چند، مطالبی که آملی دربارهٔ ناصر اطروش نقل کرده اندک است، اما، اهمیت فراوانی دارد.[47] تأکید آملی بر به رسمیت شناخته نشدن داعی کبیر حسن بن زید (متوفی 270ق) و داعی صغیر محمد بن زید به عنوان امام، به علت ذکر نشدن نام این دو علوی در سنت رسمی زیدیهٔ یمن، به دلیل برخورد تند آن‌ها با الهادی الی‌الحق بوده‌است.[48]

در شرح حال ناصر اطروش، تکیه و بحث اصلی آملی، برجسته نمودن صفات و شرایط لازم برای امامت است. گسترش اسلام در بخشی از مناطق طبرستان و دیلمان که در پی کوشش‌های ناصر اطروش صورت گرفته، مطلبی است که آملی به آن اشاره کرده‌است. سرانجام، آملی احادیثی، دال بر پیشگویی ظهور ناصر اطروش، نقل کرده که در همان اوان در میان پیروان ناصر در مناطق هوسم که بیشترین فعالیت ناصر در آن‌جا بوده، رواج داشته و احتمالا این اخبار برگرفته شده از *سیرة ناصر* که آملی در دست داشته، بوده‌است.

سیره‌نگاری در میان زیدیان ایرانی پس از کتاب *المصابیح*

اثری که به وضوح تداوم سنت طبقات‌نگاری در میان زیدیه را نشان می‌دهد، کتاب *الإفاده فی تاریخ الأئمه الساده* از ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفی 424ق) است.[49] هارونی در کتاب *الإفاده*، بر اساس فهرست اسامی امامان زیدی، به اجمال، به ذکر شرح حال آن‌ها پرداخته‌است. وی در آغاز کتاب اشاره کرده که نخست به نگارش کتابی مفصل در بیان احوال علویان قیام کننده (مُبَیضه) پرداخته و نام آن را *الحدائق فی أخبار ذوی السوابق* نهاده‌است،

---

[46]. آملی، ص 597-592.

[47]. همان، ص 607-602.

[48]. همان، ص 569-568.

[49]. هارونی که خود از برجسته‌ترین شاگردان حسنی بوده، همان شیوه حسنی را در نگارش کتاب خود البته با اختصار بیشتری دنبال کرده‌است.

اما، چون به بیان احوال زندگانی امام حسین(ع) رسیده، به دلیل اشتغال به کارهای دیگر و کمی فرصت به تلخیص آن پرداخته و کتاب *الافاده* را تالیف کرده‌است.

نتیجه‌گیری

توجه عالمان زیدی به تاریخ‌نگاری، بیشتر برای بیان دیدگاه تاریخی آن‌ها در باب چگونگی شکل‌گیری امت و به نحو بارزی متأثر از اندیشه‌های کلامی آن‌ها بوده است. البته، این مطلب به معنی بی‌اعتباری گزارش‌های تاریخی کتاب‌های زیدیه نیست، بلکه، نشانگر چگونگی گزینش اخبار توسط مورخان زیدی و لحاظ کردن اندیشه‌های کلامی در این روند است. دیگر مورخان، نیز، با چنین رویکردهایی آثار خود را نگاشته اند و این امر اختصاصی به زیدیه ندارد. تنها تفاوت میان تاریخ‌نگاری جریان‌های حاشیه‌ای و تاریخ‌نگاری رسمی مورد تأیید حکومت‌ها، در قرائت آن‌ها از حوادث و برخی اخباری است که ارائه کرده‌اند. در تاریخ‌نگاری رسمی، صورت رسمیت یافته و مورد تأیید حوادث نقل می‌شود، در حالی که در تاریخ‌نگاری حاشیه‌ای شاهد نقل اخباری هستیم که منعکس کنندهٔ دیدگاه‌های جریان‌های معارض با نظام حاکم یا جریان‌های رخ‌داده است. اهمیت دیگر تاریخ‌نگاری حاشیه‌ای، در ارائه دادن اطلاعاتی از جریان‌های حاشیه‌ای است که تاریخ نگاران رسمی تنها اطلاعات اندکی از آن‌ها گزارش کرده‌اند.

تشکیل دو امارت زیدی در نواحی طبرستان و دیلمان و یمن به ایجاد گونه‌ای جدید در تاریخ‌نگاری زیدیه، یعنی سیره‌نگاری که بیان شرح حال سیاسی امام حاکم با تأکید بر ویژگی‌های خاص او که وی را شایستهٔ امامت کرده‌است، منتهی شد. با این حال، در تاریخ‌نگاری رسمی گزارش‌های اندکی از امارت‌های زیدی در دست است. در این سنت تاریخ‌نگاری، زندگی امام پیش از به قدرت رسیدن اهمیت چندانی ندارد و تنها مطالبی که در راستای تأکید بر اهمیت جایگاه علمی امام به کار می‌آید، بیان می‌شود.

در سنت زیدیه، شاهد شکل‌گیری نوع خاصی از تاریخ‌نگاری هستیم که می‌توان نام آن را سیره‌نگاری نامید. این سنت که بعدها به عنوان سنتی متداول در میان زیدیه باقی ماند، بیش از هر مطلب دیگری دغدغهٔ مشروعیت امام زیدی و نشان دادن مشروع بودن امامت زیدیه را، به نحو عام، دارد. سنت سیره‌نگاری در روند تحول خود، اساس مهمی برای سنت طبقات‌نگاری زیدیه شده‌است و عالمان زیدی چون ابوطالب هارونی و پس از او حمید بن

احمد محلی (متوفی 654ق) مؤلف کتاب *الحدائق فی اخبار الأئمه الزیدیه* در نگارش آثار خود با بهره‌گیری از آثار نگاشته شده در سنت سیره‌نگاری، آثار جامع تری در تاریخ‌نگاری زیدیه و به شیوه طبقات‌نگاری به رشته تحریر درآوردند. در این آثار، نیز، مسئلهٔ مشروعیت امام، یکی از مهمترین مسائل مورد بحث بوده و، غالباً، با نقل اخباری، دال بر پیشگویی امام مورد نظر و اجماع علویان بر شایستگی وی (همانند اجماع آن‌ها بر قیام حسین بن علی فخی) و یا نقل اخباری از حمایت عالمان دیگر مذاهب از قیام آن‌ها، مورد تأکید قرار گرفته است.

کتابنامه

آملی، علی بن بلال. « *تتمهٔ المصابیح*،» ضمیمهٔ *المصابیح* احمد بن ابراهیم حسنی، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی. صنعاء: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، 1423ق، ص 608-411.

ابن ابی الرجال، احمد بن صالح. *مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه*. تحقیق عبدالرقیب مطهر محمد حجر. صعده: مرکز أهل البیت (ع) للدراسات الإسلامیه، 1425ق/2004م.

ابن سمکه. *العباسی: أخبار الدوله العباسیه و فیه أخبار العباس و ولده*. تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی. بیروت: دار الطلیعه للطباعه و النشر، 1997م.

ابن ندیم. *کتاب الفهرست*. تحقیق رضا تجدد. تهران: انتشارات افست مروی، 1393ق/1973م.

اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل. *کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*. تحقیق هلموت ریتر. ویسبادن: دارالنشر فرانتس شتاینر، 1400ق/1980م.

اصفهانی، علی بن حسین. *مقاتل الطالبیین*. تحقیق کاظم مظفر. نجف: المکتبه الحیدریه، 1385ق/1965م.

جرار، ماهر. «اربع رسائل زیدیه مبکره.» *فی محراب المعرفه: دراسات محتاط الی احسان عباس*. ابراهیم سعافین. بیروت: دارالغرب الاسلامی، 1997. ص 303 ـ 267.

ـــــــــ. «تفسیر أبی الجارود عن الامام الباقر: مساهمهٔ فی دراسه العقائد الزیدیه المبکره.» *الابحاث*. السنه 50 – 51. 2003 – 2002. ص 94- 37.

حسنی، احمد بن ابراهیم. *المصابیح*. تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی. صنعاء: مؤسسهٔ الامام زید بن علی الثقافیهٔ، 1423ق.

خطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت. *تاریخ مدینه السلام و أخبار محدثیها و ذکر قطانها العلماء من غیر أهلها و واردیها*. حققه و ضبط نصه و علق علیه بشار عواد معروف. بیروت: دارالغرب الإسلامی، 1422ق/2001م.

الخلال، ابوبکر أحمد بن محمد ابن هارون بن یزید. *السنه*. دراسه و تحقیق عطیة الزهرانی. ریاض: دارالرایة، 1410ق/1989م.

دانش پژوه، محمد تقی. «دو مشیخه زیدی.» *نامه مینوی: مجموعه سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی*. زیر نظر حبیب یغمائی. ایرج افشار و محمد روشن. تهران: جاویدان، 1350.

رحمتی، محمد کاظم. «روابط زیدیه و امامیه با تکیه بر کتاب المحیط باصول الامامة.» جشن *نامهٔ دکتر محسن جهانگیری*. به اهتمام محمد رئیس زاده و فاطمه مینائی و سید احمد هاشمی. تهران: هرمس، 1386ش 276-235.

سید، أیمن فؤاد. *مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی*. قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه بالقاهره، 1974م.

السید، رضوان. «کتب السیر و مسألة داری الحرب و السلم نموذج کتاب السیر لمحمد النفس الزکیه.» ابراهیم سعافین. *فی محراب المعرفه: کتاب تکریمی لاحسان عباس*. بیروت: دار الغرب الاسلامی و دار صادر، 1997م.، ص 147- 131.

طبری، احمد بن موسی. *المنیر علی مذهب الامام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین علیهما السلام*. تحقیق علی سراج الدین عدلان. صعده: مرکز اهل البیت(ع) للدراسات الاسلامیه، 1421ق.

طبری، محمد بن جریر. *تاریخ الرسل و الملوک*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره : دارالمعارف، 1969-1960م.

الطرابیشی، مطاع. *رواه محمد بن اسحاق بن یسار فی المغازی و السیر و سائر المرویات*. بیروت و دمشق: دارالفکر المعاصر- دار الفکر، 1414ق/1994م.

طوسی، محمد بن حسن. *فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*. تحقیق عبدالعزیز الطباطبائی. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، 1420ق.

عالم زاده، هادی. «ابوبکر.» *دائره المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، 1372. ص 240-221.

العکبری، عبیدالله بن محمد ابن بَطه. *کتاب الشرح و الإبانه علی أصول السنه و الدیانه*. تحقیق و تعلیق و دراسهٔ رضا بن نعسان معطی. مکه المکرمه: المکتبه الفیصلیه، 1404ق/1984م.

فوزی، فاروق عمر. *العباسیون الاوائل: دراسه تحلیلیه*. بیروت: دارالارشاد، 1974-1970م.

مدرسی طباطبائی، حسین. مکتب در *فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*. ترجمه هاشم ایزد پناه. نیوجرسی: مؤسسه انتشاراتی داروین، 1374.

ـــــــــــ. *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*. ترجمه رسول جعفریان و علی قرائی. قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، 1383.

نجاشی، احمد بن علی. *فهرست أسماء مصنفی الشیعه المشتهر برجال النجاشی*. تحقیق موسی شبیری زنجانی. قم : جامعه مدرسین، 1407ق.

نوفلی، ابوالحسن علی بن محمد بن سلیمان. *کتاب الأخبار*. مقدمه و تدوین رسول جعفریان. قم: نشر حبیب، 1387.

هارونی حسنی، یحیی بن حسین. *الافادهٔ فی تاریخ الأئمه الساده*. تحقیق محمد کاظم رحمتی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، 1387.

همدانی، رفیع الدین اسحق بن محمد. *سیرت رسول الله: سیره النبی*. تصحیح اصغر مهدوی. تهران: خوارزمی، 1361ش.

Günther, Sebastian. “Al-nawfalī's Lost History: The Issue of a Ninth-century Shi'ite Source Used by Al-Abarī and Abū L-Faraj Al-Isfahānī.” ***British Journal of Middle Eastern Studies***. Vol. 36. 2009. pp. 241- 266.

Madelung, Wilfred. ***Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen***. Berlin: Walter de Gruyter, 1956.

Morimoto, Kazuo. “The Formation and Development of the Science of Talibid Genealogists in 10th & 11th Century Middle East.” ***Oriento Moderno***, n.s. 18/2 1999. pp.541-570.